

نابرابری آموزشی از دیدگاه نظریه پردازان جامعه شناسی

سعیده فرهادی^۱، محمد امین چهاردولی^۲

^۱ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آیت الله بروجردی ، saeidefarhadi239@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آیت الله بروجردی ، m.a.chahardoli1991@gmail.com

چکیده:

یکی از مهیج ترین و جدال برانگیز ترین مباحث نزد جامعه شناسان کلاسیک و معاصر بحث نابرابری اجتماعی می باشد، می توان گفت ناخوشایندترین پدیده زندگی اجتماعی بشر است و شاید غیرانسانی ترین پدیده باشد. آموزش به عنوان یکی از مهم ترین عوامل قشر بندی اجتماعی هم مانع و هم فراهم کننده تحرک اجتماعی افراد در جامعه است. ارتقاء تحصیلات به نوبه خود ارزشمند است زیرا موجب ارتقاء اجتماعی افراد می شود. در باب اهمیت موضوع آموزش و پرورش همین کفایت می کند که این مسئله از دوران گذشته مورد توجه فیلسوفان بزرگ و نام آشنایی همچون افلاطون و ایمانوئل کانت بوده است. در این پژوهش که به صورت اسنادی و کتابخانه ای انجام پذیرفته است، مبانی نظری نابرابری آموزشی از دوران کلاسیک تا معاصر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: نابرابری آموزشی ، نابرابری اجتماعی ، مکتب جامعه شناسی، نظریه جامعه شناسی